

## **The Effect of *Akhhbārī* Jurisprudential Views on Women’s Lack of Social Presence <sup>1</sup>**

**Maryam Mashhadi-Alipour**

PhD student of Islamic Azad University- Tehran Science and Research Branch.

**Mahdi Mehrizi-Turuqi**

Associate Professor of Islamic Azad University- Tehran Science and Research Branch; (Corresponding Author); toosi217@gmail.com

 <https://orcid.org/0000-0001-5859-0216>


**Seyyed Mohammadali Ayazi**

Associate Professor of Islamic Azad University- Tehran Science and Research Branch

### ***Abstract***

Gaining familiarity with the school of thought of jurists, the cultural atmosphere of society, and their influence on women’s issues throughout history are among the prerequisites for judging the Islamic perspective on women’s issues. One of the influential schools in this field is the *Akhhbārī* School. In this study, an

1. *Mehrizi-Turuqi. M; (2023); “ The Effect of Akhhbārī Jurisprudential Views on Women’s Lack of Social Presence “; Jostar\_ Hay Fiḡhi va Usuli; Vol: 9; No: 32; Page: 101-133;*

 10.22034/jrj.2022.63376.2437

© 2023, Author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

attempt is made to present the effects of the views of Akhbārīs and the political atmosphere of the Safavid era in the field of women's social participation. Also, it analyzed the scientific and practical behaviour of the Akhbārīs of the Safavid era on women's confinement at home and examined their jurisprudential views on the prohibition of women's social presence and encouraging them to stay at home. The issue of women's participation and banning them from leaving the house was not limited or prohibited in this way before the emergence of Akhbārīs. Akhbārīs, especially Sheikh Ḥurr al-ʿĀmilī, have played a significant role in creating this restriction through fatwās and traditions that are sometimes incorrect. The preference (*Istihbāb*) of keeping women at home, the prohibition (*ḥurmat*) of seeing non-*maḥrams*, the unwillingness (*kirāhat*) to greet women, the unwillingness (*kirāhat*) to leave the house with the husband's permission, the preference (*istihbāb*) of women's spinning, and similar fatwas have affected the restriction of women's presence and lack of social participation. It should be noted that before Akhbārīs, such chapters and fatwas about the limitations of women's social presence did not exist or were not so strong in the earlier books.

**Keywords:** Women, Social Presence, Safavid, Akhbārīs, Jurisprudence.

# تأثیر دیدگاه‌های فقهی اخباریان بر عدم حضور اجتماعی زنان<sup>۱</sup>

مریم مشهدی علی‌پور

دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران-ایران.

مهدی مهریزی طُرقی

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران-ایران (نویسنده مسئول). toosi217@gmail.com

سیدمحمدعلی ایازی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران-ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۳

تأثیر دیدگاه‌های فقهی  
اخباریان بر عدم حضور  
اجتماعی زنان

۱۰۳

## چکیده

آشنایی با مکتب فکری فقها و فضای فرهنگی جامعه و تأثیر آن‌ها بر مباحث زنان در طول تاریخ یکی از پیش‌نیازهای داورى درباره دیدگاه اسلام در مسئله زنان است. یکی از مکاتب تأثیرگذار در این زمینه، مکتب اخباریگری است. در مطالعه حاضر تلاش می‌شود تا تأثیرات دیدگاه‌های اخباریان و فضای سیاسی دوره صفویه، در زمینه مشارکت اجتماعی زنان ارائه گردد. در این مطالعه بر آنیم تا رفتار علمی و عملی اخباریان دوره صفویه را بر خانه‌نشینی زنان واکاوی کرده و دیدگاه‌های فقهی آنان را در زمینه منع حضور اجتماعی زنان و تشویق بر خانه‌نشینی‌شان بررسی کنیم. مسئله مشارکت زنان و منع خروج آن‌ها تا قبل از اخباری‌ها به این نحو محدود نبوده و منع نشده بود. اخباری‌ها، خصوصاً شیخ حر

۱. مهریزی طُرقی، مهدی. (۱۴۰۲). تأثیر دیدگاه‌های فقهی اخباریان بر عدم حضور اجتماعی زنان. فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی. (۹): ۳۲:۳. صص: ۱۳۳-۱۰۱-۱۳۳. <https://orcid.org/0000-0001-5859-0216>

عاملی، از طریق فتوا و روایاتی که گاه نیز غیر صحیح می‌باشند، نقش بسزایی در ایجاد این محدودیت داشته‌اند. استحباب حبس زنان در خانه، حرمت دیدن نامحرم، کراهت سلام کردن به زنان، کراهت خروج از منزل به اذن شوهر، استحباب نخریسی بر زنان و فتاوایی از این قبیل بر محدودیت حضور و عدم مشارکت اجتماعی زنان تأثیر گذاشته است. به گونه‌ای که قبل از اخباری‌ها در کتب متقدم چنین روح کلی و ابواب و فتاوایی مبنی بر محدودیت‌های حضور اجتماعی بانوان وجود نداشته یا به این شدت نبوده است.

**کلیدواژه‌ها:** زنان، حضور اجتماعی، صفویه، اخباریان، فقه.

### مقدمه

زنان به‌عنوان جمعیت قابل توجه هر جامعه، نقش به‌سزایی در مشارکت اجتماعی داشته و این امر در توسعه اجتماعی مؤثر بوده است و عدم وقوع چنین امری منجر به نارسایی‌هایی می‌شود. جوامع برای رسیدن به پویایی، در زمینه‌های مختلف، نیازمند مشارکت همه اقشار اعم از زن و مرد هستند؛ بنابراین باید تأکید نمود که مسئولیت و نقش آفرینی در عرصه اجتماعی تنها به مردان اختصاص نداشته، بلکه زنان هم نقش مؤثری در این زمینه دارند.

رویکرد زنان به حضور اجتماعی، تحت تأثیر نظام‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی است. یکی از هنجارهای جوامع مذهبی برای زنان، نیکو شمردن پرده‌نشینی و ماندن زنان در خانه و عدم حضور در جامعه است که به‌واسطه روایاتی در بدنه جامعه مذهبی رسوخ پیدا کرده است. این در حالی است که در آیات فراوانی دیده می‌شود که خداوند به حضور اجتماعی و سیاسی زنان مهر تأیید گذاشته است. به‌عنوان مثال: قرآن با بیان داستان ملکه سبا (نمل/۲۳) مهر تأییدی بر حضور سیاسی و اجتماعی زنان گذاشته و بیعت را به‌عنوان بارزترین مظهر کار سیاسی برای زنان می‌پذیرد (ممتحنه/۱۲) و حرکاتی چون هجرت (نساء/۹۷ و ۹۸) و امر به معروف و نهی از منکر (توبه/۷۱) را بر زنان و مردان به‌طور مساوی واجب می‌داند. علاوه بر این، در صدر اسلام، حضور اجتماعی زنان در متن جامعه و در اکثر کارهای اجتماعی، سیاسی چون جنگ (کحاله، بی‌تا، ۳۴۲/۲؛ خلیل جمعه، ۱۴۱۲، ۲۵۱/۲)، بیعت (عسقلانی، ۱۴۱۲، اق، ۱۴۰/۸؛ منبع هاشمی،

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۲

پاییز ۱۴۰۲

۱۰۴

۱۴۱۰، ۱۴۰/۸) هجرت (عسقلانی، ۱۴۱۲ق، ۶۴۷/۷ و ۷۱۶ و ۱۰۲/۸ و ۲۲۱). تبلیغ، اشتغال، مراسمات مذهبی به چشم می‌خورد؛ ولی این حضور و مشارکت اجتماعی، در ادوار بعد تبدیل به خانه‌نشینی زنان چه در متن جامعه و چه در کتب فقهی شده است. در این تبدیل حضور اجتماعی زنان به پرده‌نشینی عوامل بسیاری دخیل بوده است. در این میان تأثیر مکاتب و دیدگاه‌های فکری و روایات و فتوایی که از جانب این متفکرین در جامعه رواج یافته را نباید نادیده گرفت.

یکی از جریان‌های فکری در میان شیعه که سابقه‌ای بیش از هزار سال دارد، جریان اخباریگری است. این جریان که می‌توان گفت در قرن چهارم در حوزه فکری قم پا گرفت و در دوره صفویه یعنی قرن‌های دهم تا دوازدهم احیا شد (گرگی، ۱۳۹۵، ۲۴۵؛ جناتی، ۱۳۷۲، ۳۷۱). این مکتب با یک سازمان فکری حدود سه قرن بر مراکز علمی شیعه سیطره داشت و پس از آن گرچه توسط اصولی‌ها از سیطره و حاکمیت افتاد؛ اما آثار و پیامدهای فکری آنان را می‌توان در دوره‌های بعد تا عصر حاضر یافت.

تأثیر دیدگاه‌های فقهی  
اخباریان بر عدم حضور  
اجتماعی زنان

۱۰۵

در دوره صفویه، نسلی از روحانیون به صحنه آمدند که دارای اندیشه اخباریگری بودند. مهم‌ترین پدیده در زمینه تحولات دینی این دوران، پیدایی (گلیو، ۱۳۹۶، ۱۱۶-۱۲۴) یا شکوفایی جریان اخباریگری بود. بنیان‌گذار اصلی این دیدگاه «ملا محمد امین استرآبادی» است. اخباریان بر چهار مبنا تأکید دارند: صحت و اعتبار تمام احادیث (استرآبادی، ۱۴۲۶، ۲۸۱؛ کرکی، بی‌تا، ۸۷، ۸۹) به‌عنوان مهم‌ترین منبع استنباط احکام شرعی تأکید می‌کنند. از دیدگاه اخباریان مباحث فقهی ربطی به اجتهاد ندارد و عقل در فهم دین و حقایق ناتوان است (استرآبادی، ۱۴۲۶ق، ۲۱۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱۳۱/۱-۱۳۳). آن‌ها همچنین قائل به عدم حجیت ظواهر قرآن هستند (حر عاملی، ۱۴۲۳ق، ۱۹۲ و ۳۲۵ و ۴۰۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۲۹/۱۸؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ۲۳/۱۹۸). دیدگاه استرآبادی به زودی دل‌بستگان فراوانی پیدا کرد و در میان اهل علم رواج یافت.

گرچه در میان اخباریان برخی تندرو و برخی میانه‌رو می‌باشند؛ ولی شاخصه دقیقی جهت تمییز اخباریان معتدل با تندرو، غیر از اظهارات صریح اخباریانی مانند بحرانی که خود را معتدل می‌دانند، وجود ندارد.

از طریق عملکرد خود اخباریان نسبت به مبانی ذکرشده در کتاب‌هایشان، می‌توان فهمید که تا چه اندازه سخت‌گیر و پایبند به این مبانی هستند. چنان‌که حرّ عاملی در مقدمه کتاب وسایل الشیعه این مبانی را ذکر کرده و در آثار خود نیز به‌شدت از این مبانی پیروی می‌کرد (خوانساری، ۱۴۱۱ق، ۳۵۱/۷). همچنین برخی از علما هم ممکن است در دوره‌ای از عمر خود اخباری‌ای متعصب و در دوره‌ای دیگر اخباری‌ای معتدل باشند.

این تحقیق درصدد است تا دیدگاه‌های اخباریان در مسئله عدم مشارکت اجتماعی زنان را بیان کرده و نشان دهد که برخی از دیدگاه‌های رایج در این مسئله، در متون مذهبی شیعه، میراث برجای‌مانده از تفکر اخباری‌گری است. مکتب اخباری‌گری گرچه در ظاهر از بین رفته است؛ ولی تأثیر گسترده‌ای بر روی باورها و دیدگاه علما، از جمله در مباحث زنان داشته است. بررسی دیدگاه‌های متفکران و جریان‌های فکری درباره مسئله زن و تأثیر این دیدگاه‌ها در طول تاریخ بر روی جریان‌های دیگر می‌تواند حائز اهمیت باشد؛ و از آنجایی که تفکر اخباریان حدود سه قرن بر مراکز علمی و بین علما رواج داشته و دوره‌ای بسیار طولانی را در برداشته است؛ لذا ما در این مقاله تنها دوره صفویه را انتخاب شده است تا به‌صورت موردی دیدگاه تعدادی از اخباریان که پایه‌گذاران و مروجان اصلی این دیدگاه در این دوره بودند، مورد بررسی قرار گیرد.

همچنین این پژوهش، نشان‌دهنده تأثیر دیدگاه اخباریان بر منع حضور اجتماعی زنان است. اخباریانی که برای اجرای دیدگاه‌های خود در سطح جامعه، از حمایت حکومت نیز برخوردار بودند. برخی از دیدگاه‌های اخباریان درباره منع حضور اجتماعی زنان، برای اولین بار از جانب آن‌ها به‌عنوان حکم و فتوا صادر شده است؛ مانند استحباب حبس زنان در خانه، مکروه بودن خروج زنان از خانه، کراهت شنیدن صدای زن نامحرم و بعدها نیز اصولیان بدون اجتهاد در این زمینه، این دیدگاه‌ها را تأیید کردند. از این رو، لازم است برای فهم دیدگاه اسلام در مسئله حضور اجتماعی زنان، واکاوی بیشتری درباره دیدگاه اخباریان صورت پذیرد.

برای بررسی دیدگاه اخباری‌ها، کتاب‌های فقهی و حدیثی پنج تن از علمای اخباری عصر صفویه (محمدتقی مجلسی، محمدباقر مجلسی، بحرانی، فیض

کاشانی و حر عاملی) را مورد بررسی قرار دادیم. آثاری که در تدوین اثر حاضر از دیدگاه‌های فقهی اخباری‌ها به آن‌ها رجوع شده، کتب فقهی و شروح حدیثی هستند که عبارتند از: روضة المتقین، بحار الأنوار، مرآة العقول [وسایل الشیعه]، الفوائد الطوسیه، وافی و الحدائق الناصرة.

برای به دست آوردن دیدگاه‌های صاحب‌نظران و متفکران درباره مسئله‌ای، معمولاً بر نوشته‌ها و گفته‌های صریح آن‌ها استناد می‌شود؛ ولی از آنجایی که اخباری‌ها دیدگاه‌های صریح و روشنی درباره زنان ندارند، روش پژوهش حاضر در به دست آوردن دیدگاه اخباری‌ها، توجه به تیتراها، تعداد روایات، دقت در نوع چینش روایات و توجه در نیابورن برخی مطالب یا در غیر جای خود آوردن مطالب و روایات است. همچنین با دقت نظر در جزئیات برخی مباحث که به آن‌ها بسیار پرداخته می‌شود، در حالی که از برخی مباحث مهم مثل حضور اجتماعی زنان سخنی به میان آورده نمی‌شود، می‌توان به مبانی فکری و دیدگاه‌های اخباریان در مورد زنان دست یافت. از این رو، به منظور تحلیل آرای اخباری‌ها در مورد زنان، لازم است نخست نگاهی مختصر به موقعیت زنان و همچنین اخباری‌ها در عصر صفویه که در مسئله حضور اجتماعی زنان نیز بسیار مؤثر است، داشته باشیم. سپس بحث منع مشارکت زنان، در دوازده حوزه بیان می‌شود.

تأثیر دیدگاه‌های فقهی  
اخباریان بر عدم حضور  
اجتماعی زنان

۱۰۷

### ۱. نگاهی به موقعیت زنان در عصر صفویه

در دوران صفویه وضعیت اجتماعی زنان در هر دوره، در زمان فرمانروایی هر پادشاه و در بین هر قبیله و مذهب به گونه‌ای ویژه بود و هر یک از پادشاهان صفوی به خواست و اراده خود به زن آزادی می‌داد. شرایط زندگی، ارتباطات اجتماعی، ازدواج و طلاق و میزان قدرت و استقلال زنان در طبقات و اقشار جامعه کاملاً متفاوت بود؛ اما در مجموع، تصمیم‌گیری‌های اساسی درباره هر یک از این موارد به عهده مردان بوده و زنان به علت محدودیت‌های فرهنگی و شرعی قدرت چندانی در این زمینه نداشتند (فرهمنند، ۱۳۹۲، ۱۱۱؛ قلی‌زاده، ۱۳۸۳، ۷۸).

در زمان شاه‌طهماسب اول که مردی متعصب بود، زنان ایران بسیار محدود و

محبوب بوده و از خانه فقط به حکم ضرورت بیرون می‌آمدند و در کوی و برزن پیاده نمی‌گشتند (فلسفی، ۱۳۷۱، ۵۴/۳).

روبنده را بر روی انداختن و چادر به سر کردن که از دوران پادشاهی شاه طهماسب رواج گرفته بود، در عهد دیگر سلاطین تشویق شد. با اینکه پاره‌ای از زنان به هنگام جنگ یا سفر بر اسب می‌نشستند یا به تیراندازی و نیزه‌پرانی تسلط داشتند. معمولاً زندگی اکثریت، محدود به خوردن و خوابیدن و بچه زاییدن بوده و حتی زنان شاه از این قاعده مستثنا نبودند (فلسفی، ۱۳۷۱، ۵۴/۳).

شاه عباس برخلاف جدّ خود تا حدودی به زنان آزادی داد. به طوری که در زمان او علاوه بر زنان بزرگان و رجال کشور که البته آنان هم بسیار کم از خانه بیرون می‌آمدند، زنان سایر طبقات نیز در کوچه و بازار دیده می‌شدند. وی از سال ۱۰۱۸ شمسی نیز دستور داد که روزهای چهارشنبه هر هفته گردش در چهارباغ اصفهان و پل سی‌وسه چشمه منحصر به زنان شهر باشد تا بتوانند با روی گشاده و بی‌نقاب در آنجا به تماشا و تفریح پردازند (فلسفی، ۱۳۷۱، ۵۴/۳).

در این میان حضور علمای اخباری چون شیخ حر عاملی و علامه مجلسی به عنوان شیخ الاسلام منجر شد اخباری‌گری از حوزه متون دینی و فقهی به عرصه اجتماعی کشیده شده و در مباحث زنان در سطح جامعه نیز تأثیر بگذارد. البته این بدان معنا نیست که دیدگاه اخباریان و فتوای آن‌ها تنها عامل عدم حضور اجتماعی زنان در آن دوره و در دوره‌های بعد است؛ بلکه اخباریان نیز به نوبه خود با توجه به نفوذی که در اداره جامعه داشتند در منع حضور اجتماعی زنان نقش داشتند. یک نمونه روشن از چنین اقدامی، منع حضور اجتماعی زنان از جانب علامه مجلسی است تا حکومت دینی به عنوان یک تکلیف دینی احکام مربوط به حضور و زندگی آنان در جامعه اسلامی را تبیین و تشریح کند.

از این رو، در راستای اجرای احکام اسلامی بود که وقتی شاه سلطان، از علامه مجلسی در مراسم بر تخت نشستن شاه سلطان حسین، که شمشیر حکومت را بر کمر او بست، پرسید که در مقابل چه تقاضایی از او دارد؟ ایشان خواستار ممنوعیت انواع رفتارهای غیر اسلامی چون: بیرون رفتن زنان با لباس نامناسب و بدون همراهی

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۲

پاییز ۱۴۰۲

۱۰۸



شوهرشان شد و شاه نیز فرمان منع فحشا و روسپی‌گری را صادر کرد، حجاب مناسب را ضروری دانست و تأکید کرد که زنان حق گردشگری و قدم‌زدن در باغ‌ها و تفریح‌گاه‌های عمومی را ندارند (رودی، ۱۳۹۳، ۳۲۲).

## ۲. نگاهی به جایگاه علمای اخباری در عصر صفویه

شاه اسماعیل یکم (۹۳۰-۸۹۲) در سال ۹۰۷ قمری در تبریز تشکیل دولت صفوی و رسمی شدن تشیع اثناعشری را اعلام کرد (فراهانی منفرد، ۱۳۷۷، ۹-۱۰). این فرمان زمینه‌ای شد تا دولت صفوی با علما ارتباط برقرار کرده و از آنان برای رسیدگی به امور شرعی و فقهی استفاده کند (صفت گل، ۱۳۸۱، ۵۹۶). علما نیز با تألیف رساله، صدور فتوا و توضیح و تشریح موضوعات فقهی و مذهبی کوشیدند تا تشیع را با دولت صفوی همراهی کنند (ریو لاجوردی، ۱۳۹۶، ۹۲). این رویداد که حکومت از شیعه اثناعشری حمایت کند، مهم‌ترین رویداد در تاریخ ایران پس از اسلام بود.

در ابتدا علمای دارای گرایش فلسفی و عقل‌گرایی با دولت صفوی همراهی کردند؛ ولی رفته‌رفته در اواخر قرن یازدهم و دوازدهم نفوذ اخباری‌ها بیشتر شده و اندیشه و گرایش اخباری کم‌کم به صورت یک اندیشه گسترده، در سه شهر اصفهان، مشهد و قم درآمد. سه شیخ الاسلام برجسته این دوران یعنی شیخ حر عاملی، مجلسی و ملا محمد طاهر قمی در مشهد و اصفهان و قم هر سه به گرایش اخباری دل‌بسته بودند. مهم‌ترین مجامع حدیثی شیعه در همین سال‌ها گردآوری و تألیف شد. این علمای اخباری عموماً در دوره صفویه دارای وظایف حکومتی نیز بودند. مجلسی اول (۱۰۰۳-۱۰۷۰) در اصفهان بعد از میرداماد و شیخ بهایی نخستین کسی بود که امامت جمعه مسجد اعظم اصفهان بدو سپرده شد. وی در دوران شاه عباس دوم، شهرت فراوانی داشت تا جایی که شاه طی نامه‌ای از او خواست تا شرحی را که به زبان عربی بر کتاب «من لایحضره الفقیه» نوشته بود، به فارسی برگرداند. ضمناً از فیض کاشانی برای حضور در اصفهان دعوت به عمل آمده بود (وحید قزوینی، ۱۳۲۹، ۱۸۴-۱۸۵). شیخ حر عاملی، در مشهد به منصب شیخ‌الاسلامی رسیده و قضاوت شهر نیز به او رسیده بود و اعتبار و نفوذ حکومتی نیز در مشهد داشت (خوانساری،

تأثیر دیدگاه‌های فقهی  
اخباریان بر عدم حضور  
اجتماعی زنان

۱۰۹

۱۴۱۱، ۳۵۱/۷). علامه مجلسی نیز در سال ۱۱۰۶ طی حکمی از سوی شاه سلطان حسین به این منصب منصوب شد. با تکاپوهای آنان و بازمینه و شرایط پیشین بود که مشهد و اصفهان کانون گرایش اخباری فقه شیعه گشت و گرایش اخباریگری در پی تلاش‌های این علما به گرایشی نیرومند تبدیل شد و از آنجا که این علما، منصب حکومتی شیخ‌الاسلامی را نیز بر عهده داشتند خودبه‌خود این گرایش جنبه حکومتی نیز پیدا کرد.

از این‌رو اخباریگری ابتدا در حوزه متون مذهبی و فقه و پس از آن به عرصه اجتماعی نیز گسترش یافت. مهم‌ترین جلوه گرایش اخباری و اصولی این بود که تنها در سطح گفتگوهای مذهبی باقی نماند و رفته‌رفته، به‌ویژه در سال‌های پایانی فرمانروایی صفوی، به‌صورت یک موضوع سیاسی و اجتماعی نیز مطرح شد. همانگونه که کمی پیش‌تر بیان شد، در مراسم بر تخت نشستن شاه سلطان حسین که رویدادی سیاسی بود، علامه مجلسی خواستار ممنوعیت رفتارهای غیر اسلامی چون: بیرون رفتن زنان با لباس نامناسب و بدون همراهی شوهرشان شد که البته این درخواست تأثیر مستقیم اجتماعی داشت. (رودی، ۱۳۹۳، ۳۲۲)

جستارهای  
فقهی و اصولی  
سال نهم، شماره پیاپی ۳۲  
پاییز ۱۴۰۲

۱۱۰

### ۳. منع مشارکت اجتماعی زنان در آرای اخباری‌ها

در دوره صفویه، علمای شیعه الزاماً می‌بایست به همه بحران‌ها و مسائل مطرح پاسخ قانع‌کننده‌ای ارائه می‌دادند. از آنجا که اخباری‌ها همه روایات را صحیح دانسته و ظواهر آیات را حجت نمی‌دانستند، علاوه بر اینکه کتب روایی و تفاسیر شیعه نوشته شد تا پاسخ‌گوی نیازهای جامعه باشد، از طرف دیگر، احادیث و کتاب‌های روایی و دیدگاه‌های فقهی تغییرات بسیاری را تجربه کرد که در دیدگاه‌های فقهی بعدی نیز اثرگذار بود. تغییراتی را که در این دوره در کتاب‌های اخباری‌ها به وجود آمد، به روش‌های مختلف می‌توان بیان کرد؛ از بیان حکم و فتوایی برای اولین بار گرفته تا آوردن روایتی برای اولین بار در این کتب؛ روایاتی که در کتب اربعه و کتب معتبر قبل از اخباری‌ها نیامده بود و برای اولین بار در کتاب‌های اخباری‌ها آمده و بر طبق استناد به این روایات حکم و فتوایی صادر شده است.

برای به دست آوردن آرای اخباری‌ها، بحث منع مشارکت زنان، در دوازده حوزه بیان می‌شود و برای نشان دادن دقیق‌تر تغییرات صورت گرفته، به کتب اربعه و برخی کتب فقهی و روایی، که قبل از اخباری‌ها نوشته شده اشاره شده تا تغییرات به وجود آمده، به صورت آشکارتر نشان داده شود. این دوازده حوزه مربوط به منع مشارکت زنان به‌قرار زیر است:

### ۳/۱. ماندن زنان در خانه

درباره مسئله تشویق بر حبس زنان در کتاب‌های قبل از اخباری‌ها نه تنها حکمی مبنی بر استحباب این موضوع نیامده، بابتی نیز به این مسئله اختصاص داده نشده است؛ گرچه کلینی در باب «بَابُ التَّسْلِيمِ عَلَى النِّسَاءِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۱/۲۲۶) دو روایت در مورد عی و عورت بودن زنان و شیخ صدوق نیز یک روایت در این باره در باب «الْمُدْمُومُ مِنْ أَخْلَاقِ النِّسَاءِ وَ صِفَاتِهِنَّ» (صدوق، ۱۴۰۹، ۳/۳۹) آورده است. در میان اخباری‌ها مجلسی اول روایات عی و عورت بودن زنان را در «روضه المتقین» صحیح کالحسن و قوی می‌داند. عورت را در لغت هر چیزی که شرم از آشکار کردنش وجود دارد، برشمرده و تمام بدن زن را عورت می‌داند: «و من المرأة الحرة جميع جسدھا إلا الوجه و الیدین إلى الكوعین و فی أخصھا خلاف» (مجلسی، ۱۰۶، ۱۴۰۶/۸)، در معنای عورت چنین آورده است که: «زمانی که زنان آشکار می‌شود، از آشکار شدن او حیا می‌شود؛ «المرأة عورة؛ جعلها نفسها عورة لأنها إذا ظهرت يستحيا منها كما يستحيا من العورة إذا ظهرت» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴/۶۱۷). از این رو تا حد امکان باید مانع از خروج زنان از خانه شد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴/۶۱۷).

مجلسی دوم نیز در «مرآة العقول» در توضیح عورت می‌گوید: عورت چیزی است که از آن حیا می‌شود و سزاوار است که پوشانده شود؛ از این رو لازم است که از خروج از خانه منع شود (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۰/۳۷۳).

فیض کاشانی هر چند به صورت صریح به حبس زنان در خانه فتوا نمی‌دهد؛ ولی در ذیل دو باب با عنوان «باب تأدیب النساء و ترک طاعتھن» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۲۲/۷۹۷) و «التسلیم علی النساء و مصافحتھن و تقبیل الصغائر» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶،

۸۴۵/۲۲) روایاتی در این زمینه می‌آورد. در «باب تأدیب النساء و ترک طاعتهن» شش روایت از سی‌وهشت روایت در رابطه با حبس زنان آمده است. از جمله: قال رسول الله ﷺ: «النساء عی و عورة، فاستروا العورات بالبیوت و استروا العی بالسکوت» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۷۹۷/۲۲)؛ زنان عی و عورت هستند؛ پس عورت‌های خود را با خانه‌هایتان و عی را با سکوتتان پوشانید.» عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إن الله عز وجل خلق حواء من آدم، فهمة النساء في الرجال فحسونهن في البيوت» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۷۹۷/۲۲)؛ همانا خداوند عزوجل حوا را از آدم خلق کرد، پس همت زنان در مردان است؛ پس آن‌ها را در خانه‌ها حبس کنید.

در این روایات دو علت برای حبس زنان در خانه بیان شده است: یکی عورت بودن زنان و دیگری تمایل آن‌ها به سوی مردان.

شیخ حر عاملی پا را یک قدم فراتر گذاشته و بر استحباب حبس کردن زنان فتوا می‌دهد و برای اولین بار بابتی مجزا در این باره آورده و حکمی جدیدی می‌دهد و بر زنان مستحب می‌داند به غیر نیاز از خانه خارج نشوند و مردی بر آن‌ها وارد نشود؛ «(بَابُ اسْتِحْبَابِ حَبْسِ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَوْ بَيْتِ زَوْجِهَا فَلَا تَخْرُجُ لِغَيْرِ حَاجَةٍ وَلَا يَدْخُلُ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنَ الرِّجَالِ)» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۶۴/۲۰). صاحب وسایل ذیل این فتوا، هفت روایت می‌آورد که در سه روایت از این روایات از زنان به عورت تعبیر شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۶۶/۲۰) و در دو روایت دیگر علت این حبس را آفریده شدن زنان از مردان و تمایل آن‌ها به سوی مردان می‌داند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۶۶/۲۰).

فیض کاشانی نیز گرچه روایاتی در مورد عی و عورت بودن زنان می‌آورد؛ ولی این روایات را در باب سلام کردن بر زنان می‌آورد و این باب را با روایت عی و عورت بودن زنان شروع می‌کند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۸۴۵/۲۲)؛ ولی بحرانی در «الحدائق»، باب یا روایتی در این باره نمی‌آورد.

### ۳/۲. خروج از منزل با اذن همسر

در «کافی» در باب «حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۶۱/۱۱) دو روایت و در «من لایحضره الفقیه» یک روایت به خروج زن بدون اذن شوهر آمده است

جستارهای  
فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۲  
پاییز ۱۴۰۲

۱۱۲

(صدوق، ۱۴۰۹ق، ۴۳۸/۳). هرچند مجلسی دوم این روایات را در «مرآة العقول» صحیح و ضعیف می‌داند؛ (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲۰/۳۷۳) وظلی در بحار الأنوار این روایات را نیاورده است. فیض نیز در باب «حَقِّ الزَّوْجِ عَلٰی اِمْرَاةِ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۷۷۳/۲۲) دو روایت در این باره می‌آورد. فیض در این زمینه تنها به نقل روایاتی که در کافی آمده است اکتفا می‌کند.

همه علما این روایات را در باب حقوق مرد بر زن آورده‌اند و تنها شیخ حر عاملی است که این روایات را در باب تمکین آورده است و حکم به وجوب تمکین زنان می‌دهد. وی در باب «وَجُوبِ تَمَكِّينِ الْمَرْأَةِ زَوْجَهَا مِنْ نَفْسِهَا عَلٰی كُلِّ حَالٍ وَ جُمْلَةً مِنْ حُقُوقِهَا عَلَیْهَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۵۷/۲۰) روایاتی می‌آورد که خروج زنان از منزل را منوط به اجازه همسرانشان می‌داند.

بحرانی نیز سه روایت در این باره را در باب «فِي جُمْلَةٍ مِنْ حُقُوقِ الزَّوْجِ عَلٰی اِمْرَاةِ وَ حُقُوقِهَا عَلَیْهَا» می‌آورد و در انتها پس از برشمردن همه حقوقی که زن بر عهده مرد دارد، آن‌ها را مستحب مؤکد می‌داند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱۲۱/۲۳).

تأثیر دیدگاه‌های فقهی  
اخباریان بر عدم حضور  
اجتماعی زنان

۱۱۳

### ۳/۳. خروج زنان از خانه

در کتاب‌های قبل از اخباری‌ها و همچنین در کتاب‌های اخباری‌های دیگر - غیر از حرّ عاملی - باب و حکمی تحت عنوان کراهت خروج زنان از خانه نیامده است. اولین بار شیخ حر عاملی است که حکم به مکروه بودن خروج زنان از خانه به خاطر اختلاط با مردان می‌دهد. وی با آوردن روایاتی و منافات دانستن خروج زنان با غیرت مردان، حس غیرت آن‌ها را برمی‌انگیزاند تا مانع خروج زنان از خانه شوند: «باب کراهة خروج النساء و اختلاطهن بالرجال» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۳۵/۲۰). او در ذیل این فتوا روایاتی می‌آورد که خروج زنان و اختلاط آن‌ها را منافی با غیرت مردان می‌داند. از جمله:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ تَبَيَّنْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدْأَفَعْنَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْشِرُونَ وَ رَوَاهُ أَبُو بَرْزَةَ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ مِثْلَهُ وَ زَادَ وَ قَالَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يَغَارُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۳۵/۲۰)؛ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید:

امیرالمؤمنین فرمودند: ای اهل عراق، باخبر شدم که زنانان در راه‌ها با مردان برخورد می‌کنند، آیا حیا نمی‌کنید؟! خداوند کسی را که غیرت ندارد، لعنت کند.

البته نکته قابل توجه اینجاست که در روایاتی که ذیل باب غیرت مردان آمده است، مصادیق غیرت مردان، زنا و زانی و جلوگیری از این مسئله دانسته شده و بر مردان توصیه شده در مقابل هم‌خوابگی زنانان غیرت به خرج بدهید و در غیر این صورت آن‌ها را دیوث می‌نامد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۵۵/۲۰). درحالی که در اینجا صرف خروج زنان را منافعی با غیرت مردان می‌داند. در کتاب‌های دیگر اخباری‌ها چنین فتوایی به چشم نمی‌خورد.

### ۳/۴. راه رفتن زنان در بیرون از منزل

نوع راه رفتن و پوشش زنان در بیرون از منزل، از جمله مسائلی است که روایتی در «من لایحضره الفقیه»، «تهذیب» و «مسالک» و «تذکره» نیامده است. باین حال در «کافی» بابتی در مورد نوع پوشش و راه رفتن آن‌ها در بیرون با شش روایت در «بَابُ التَّسْتُرِّ» آمده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۹۰/۱۱).

در این میان، مجلسی در «بحار الأنوار» دو روایت در این باره در باب «جوامع احکام النساء و نوادرها» می‌آورد (مجلسی، ۱۴۰۱ق، ۲۵۴/۱۰۰). ابتدا این باب را با آیاتی از قرآن شروع می‌کند که به زنان توصیه می‌کند با لطافت با مردان (نامحرم) صحبت نکنید: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (احزاب/۳۳)؛ ای زنان پیغمبر، شما مانند دیگر زنان نیستید اگر خداترس و پرهیزکار باشید، پس زنهار نازک و نرم (با مردان) سخن نگویند؛ مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد (بلکه متین) و درست و نیکو سخن گویند.

و بعد از ذکر روایاتی به این روایت می‌رسد که:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَيْسَ لِلنِّسَاءِ مِنْ سَرَواتِ الطَّرِيقِ شَيْءٌ يَعْنِي وَسَطَ الطَّرِيقِ» (مجلسی، ۱۴۰۱ق، ۲۶۱/۱۰۰)؛ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرمایند: سزاوار نیست که زنان از وسط راه‌ها بروند». ایشان در «مرآة العقول» نیز حدیث مشابهی آورده و با موثق

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۲

پاییز ۱۴۰۲

۱۱۴

و حسن دانستن روایت، منظور از «سراة الطريق» را رفتن از کنار می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲۰/۳۳۶).

فیض در «وافی» بابتی با عنوان «باب تسترهن» دارد که در آن احادیثی در مورد نحوه راه رفتن زنان در بیرون و نوع پوششان می‌آورد. روایاتی که توصیه می‌کند زنان در موقع راه رفتن در وسط کوچه راه نروند و لباس‌هایشان تجملاتی نباشد (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۲۲/۸۱۳).

حر عاملی این روایات را در دو جا می‌آورد و بر طبق آن حکم به کراهت می‌دهد: «بابُ كَرَاهَةِ مَشْيِ الْمَرْأَةِ وَسَطَ الطَّرِيقِ وَ اسْتِحْبَابِ مَشْيِهَا إِلَى جَانِبِ الْحَائِطِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۰/۱۸۳) و برای این فتوا از سه روایت استفاده می‌کند. سپس در باب «احکام المختصة بالنساء» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۰/۲۲۲) دو روایت دیگر در این زمینه می‌آورد. ولی بحرانی در «الحدائق الناضرة» روایاتی در این زمینه نیآورده است.

### ۳/۵. دیدن مرد نامحرم

تأثیر دیدگاه‌های فقهی  
اخباریان بر عدم حضور  
اجتماعی زنان

۱۱۵

حر عاملی دیدن مرد نامحرم (هرچند کور) را بر زن حرام می‌داند: «بَابُ تَحْرِيمِ رُؤْيَةِ الْمَرْأَةِ الرَّجُلَ الْأَجْنَبِيِّ وَ إِنْ كَانَ أَعْمَى» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۰/۲۳۲).  
وی سه روایت برای این فتوایش آورده است؛ مانند: «الْحَسَنُ الطَّبْرَسِيُّ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّ فَاطِمَةَ قَالَتْ لَهُ فِي حَدِيثٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ فَقَالَ ﷺ فَاطِمَةُ مِنِّي» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۰/۲۳۲)؛ همانا فاطمه عليها السلام در روایتی گفت: بهترین زنان کسانی هستند که مردان را نبینند و مردان آن‌ها را نبینند).  
البته این روایت و روایاتی شبیه به این، نه در کتب اربعه و نه در کتب دیگر اخباری‌ها دیده نمی‌شود.

### ۳/۶. شنیدن صدای زن نامحرم از سوی مرد

قبل از اخباری‌ها، صدوق در «من لایحضره الفقیه» در باب «جمل من مناهی النبئی» (صدوق، ۱۴۰۹ق، ۴/۶) روایت نهی از سخن گفتن با مرد نامحرم را آورده است؛ اما در کافی این روایت یافت نمی‌شود.

در بین اخباریان، مجلسی اول در شرح این حدیث در «روضه المتقین» آن را حمل بر کراهت نموده و در مواقع فتنه، حرف زدن را حرام می‌داند؛ گرچه احتیاط را بر آن می‌داند که بیش از پنج کلمه سخن گفته نشود (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۳۴۰/۹).

مجلسی دوم در دو باب این روایت را می‌آورد؛ وی در باب «من یحل النظر إلیه و من لا یحل و ما یحرم من النظر و الاستماع و اللمس و ما یحل منها و عقاب التقبیل و الالتزام المحرمین» (مجلسی، ۱۴۰۱ق، ۳۱/۱۰۱) اولین روایتی که بعد از آیات می‌آورد، همین روایت است. وی ابتدا تعدادی از آیات سوره نور و سوره احزاب را ذکر می‌کند:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ- وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾؛ (نور/۳۰ و ۳۱)؛ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و فروج خود را حفظ کنند، این برای آن‌ها پاکیزه‌تر است، خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنید و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند». سپس آیاتی از سوره احزاب که درباره زنان پیامبر ﷺ است را می‌آورد. آیاتی که شروع در مورد نوع سخن گفتن و درخواست از زنان پیامبر ﷺ را بیان می‌کند: ﴿وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ (احزاب/۵۳)؛ و زمانی که چیزی از آن زنان می‌خواهید از پشت حجاب بخواهید که آن برای قلب‌های شما و ایشان پاکیزه‌تر است.

علامه مجلسی در ادامه به روایت زیر اشاره دارد: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ نَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا وَ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ» (مجلسی، ۱۴۰۱ق، ۳۱/۱۰۱)؛ همانا پیامبر ﷺ از صحبت کردن زن بیشتر از پنج کلمه، نزد غیر شوهرش با نامحرم را نهی کرده است. این روایت در باب «أحوال الرجال و النساء و معاشره بعضهم مع بعض و فضل بعضهم على بعض و حقوق بعضهم على بعض» نیز از سوی علامه مجلسی مورد توجه بوده است (مجلسی، ۱۴۰۱ق، ۲۴۰/۱۰۰).

شیخ حر عاملی نیز همانند علامه مجلسی حکم به کراهت می‌دهد و برای مردان



حرف زدن به غیر حاجت با زنان را مکروه می‌داند؛ «باب حکم سماع صوت الأجنبية و کراهة محادثة النساء لغير حاجة و تحريم مفاكهة الأجانب و ممازحتهن» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۹۷/۲۰). ایشان در ذیل این فتوا، شش روایات می‌آورد. نخست روایتی را نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام با زنان صحبت می‌کرد:

«عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي عبد الله عليه السلام إِذْ دَخَلَتْ عَلَيْنَا أُمُّ خَالِدِ التَّمِي كَانَ قَطَعَهَا يَوْسُفُ بْنُ عَمْرِ تَسْتَأْذِنُ عَلَيْهِ فَقَالَ أَبُو عبد الله عليه السلام أَيَسُرُّكَ أَنْ تَسْمَعَ كَلَامَهَا قَالَ فَقُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَإِذْنٌ لَهَا قَالَ وَ أَجَلَسَنِي مَعَهُ عَلَى الطَّنْفِيسَةِ قَالَ ثُمَّ دَخَلَتْ فَتَكَلَّمْتُ فَإِذَا هِيَ امْرَأَةٌ تَلِيغَةٌ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۹۷/۲۰)؛ ابوبصیر گوید: در محضر امام صادق علیه السلام نشسته بودم که ام‌خالد همان زنی که یوسف بن عمر از او بریده بود (و میان آن‌ها از نظر زناشویی جدایی افتاده بود) اجازه ورود خواست، امام صادق علیه السلام به من فرمود: خوشت می‌آید که سخن این زن را بشنوی؟ عرض کردم: آری. حضرت به او اجازه داد و وارد شد. امام صادق علیه السلام مرا در کنار خود روی تشک نشانید، زن مزبور از در وارد شد و شروع به سخن کرد، دیدم زن سخنوری است.

شیخ حر عاملی در توجیه سیره عملی ائمه علیهم السلام که با زنان صحبت می‌کردند، می‌گوید: «احادیثی که ائمه اطهار علیهم السلام با زنان صحبت می‌کردند، زیاد هستند؛ اما احتمال دارد که مختص به زنان پیر باشد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۹۷/۲۰).

او در ادامه، روایات منع صحبت با زنان را می‌آورد که پیامبر صلی الله علیه و آله نهی کردند زنان به‌غیر از شوهرانشان، با نامحرم بیشتر از پنج کلمه صحبت کنند؛ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَدِيثِ الْمَنَاهِي قَالَ: «وَنَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا وَ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بَدَّ لَهَا مِنْهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۹۷/۲۰)؛ و پیامبر صلی الله علیه و آله نهی کرد که زن نزد غیر شوهرش و غیر محرم بیشتر از پنج کلمه که چاره‌ای ندارد، صحبت کند. صاحب حدائق در باب «حکم سماع صوت المرأة الأجنبية» در مورد روابط زنان و مردان به‌اندازه فیض و شیخ حر فتوای سخت‌گیرانه نمی‌دهد. از این رو، روایاتی در مورد حبس زن در خانه، حرام بودن دیدن نامحرم یا مکروه بودن خروج زنان از خانه نمی‌آورد و به این مباحث نمی‌پردازد؛ بلکه تنها به مسئله شنیدن صدای زن می‌پردازد و برای آن‌هم از تیتیری خنثی، بدون حکم کراهت و حرمت می‌آورد و سعی در توجیه این

تأثیر دیدگاه‌های فقهی  
اخباریان بر عدم حضور  
اجتماعی زنان

روایات برای مواقع فتنه می کند. وی قول مشهور حرام بودن شنیدن صدای زن نامحرم را، با توجه به سیره ائمه علیهم السلام رد کرده و آن را در صورت فتنه و تلبذ حرام می داند و روایات حرام بودن شنیدن صدای زن را حمل بر کراهت می کند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۶۷/۲۳).

### ۳/۷. سلام کردن به زنان

در «کافی» در «بَابُ التَّسْلِيمِ عَلَى النِّسَاءِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ۲۲۶/۱۱)، در مورد سلام کردن به زنان، چهار روایت آمده که در مورد عی و عورت بودن زنان و سلام نکردن به زنان است.

از میان اخباریان، مجلسی در «مرآة العقول» ضمن موثق و حسن دانستن این احادیث، آن ها را به صورت احتمالی حمل بر کراهت می کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۳۷۴/۲۰). فیض کاشانی نیز بایی را تحت عنوان «باب التسلیم علی النساء و مصافحتهن و تقبیل الصغائر» در مورد سلام کردن به زنان آورده است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۸۴۵/۲۲) که از سیزده روایت ذیل این باب، سه روایت در مورد سلام کردن به زنان آمده است که همان روایات عی و عورت بودن زنان و منع از سلام کردن به زنان هستند. از جمله: «عن أبي عبدالله عليه السلام قال قال أمير المؤمنين عليه السلام: «لا تبدءوا النساء بالسلام ولا تدعوهن إلى الطعام فإن النبي صلى الله عليه وآله قال: النساء عي و عورة فاستروا عينهن بالسكوت و استروا عوراتهن بالبيوت» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۸۴۵/۲۲)؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: شروع کننده سلام دادن به زنان نباشید و آن ها را به غذا دعوت نکنید؛ پس همانا پیامبر صلى الله عليه وآله فرمودند: زنان عورت هستند؛ پس عورت خود را با سکوت و عورت آن ها را با خانه ها حفظ کنید».

و نیز: عن أبي عبدالله عليه السلام أنه قال: «لا تسلم على المرأة» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۸۴۵/۲۲).

فیض همچنین سه روایت در مورد سلام کردن به زنان را در باب «التسليم و رده» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۶۰۰/۵) ذکر کرده است. او در توضیح حدیث «لا تسلم علی المرأة» و وجه جمع آن با روایات دیگر، آن را بر غیر محارم و غیر زنان پیر حمل می کند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۶۰۱/۵).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۲

پاییز ۱۴۰۲

۱۱۸

شیخ حر تقدّم سلام کردن به زنان و تعارف آن‌ها برای غذا را مکروه دانسته و در رابطه با زنان جوان به کراهت شدید قائل می‌شود: «بَابُ أَنَّهُ يُكْرَهُ لِلرَّجُلِ ابْتِدَاءُ النِّسَاءِ بِالسَّلَامِ وَدُعَاؤُهُنَّ إِلَى الطَّعَامِ وَتَأْكُذِ الْكِرَاهَةِ فِي الشَّابَّةِ» و در ذیل این باب چهار روایت را که کافی آورده بود برای مکروه بودن سلام کردن به زنان می‌آورد که اولین آن روایت همان عی و عورت بودن زنان است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۰/۲۳۴).

بحرانی نیز با نقل روایت عدم سلام بر زنان (لا تسلم علی المرأة) آن را حمل بر کراهت می‌کند (بحرانی، ۱۴۰۵، ۹/۸۴).

### ۳/۸. قضاوت و اجتهاد زنان

نگاهی به آثار متقدم روشن می‌سازد که در برخی از منابع، شرایط قاضی شمارش نشده است؛ مانند کتاب‌های «مقنع» شیخ صدوق (صدوق، ۱۴۱۵ق، ۳۹۵-۳۹۷)، «مقنعة» شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳ق، ۷۱۹-۷۲۵). برخی فقیهان هم که شرایط قاضی را شمارش کرده‌اند، به شرط مرد بودن اشاره نکرده‌اند؛ چنانچه محقق اردبیلی مرد بودن را از شرایط قاضی بر نمی‌شمارد: «یشترط فیهِ البلوغ و العقل و الإیمان و العدالة» (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۵/۱۲). محقق اردبیلی با تشکیک در اجماع فقیهان، به صراحت، قضاوت زنان را می‌پذیرد. وی با تقسیم امور قضاوت به سه دسته امور خاص مردان، خاص زنان و امور مشترک مابین زنان و مردان، قضاوت زنان را در امور خاص زنان و امور مشترک بین زنان و مردان نافذ می‌داند (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۱۵/۱۲). البته برخی از فقها، مرد بودن را شرط می‌دانند: علامه حلی در «شرایع الإسلام» می‌نویسد: «در قاضی، بلوغ و عقل و مرد بودن شرط است. همچنین قضاوت زن صحیح نیست؛ گرچه واجد بسیاری از شرایط باشد» (حلی، ۱۴۰۸ق، ۴/۸۶۰). شهید ثانی با استناد به این که مکروه است زن صدای خود را در مقابل نامحرم بلند کند، قائل به حرمت قضاوت زن شده است و شرط ذکور بودن قاضی را ناشی از آن دانسته است که برای زن سزاوار نیست در مجلس مردان شرکت کند و صدای خود را بلند نماید (عاملی، ۱۴۱۳ق، ۲/۱۱۶).

در میان اخباری‌ها، مجلسی اول، نه تنها مرد بودن را شرط منصب قضا ندانسته؛ بلکه از احراز مقام قضاوت زنان دفاع کرده و چنین آورده است: «مرد بودن قاضی

تأثیر دیدگاه‌های فقهی  
اخباریان بر عدم حضور  
اجتماعی زنان

اختصاص به قاضی منصوب توسط امام معصوم علیه السلام دارد. پس اگر یک زن عالم عهده دار مقام قضاوت میان مردان و زنان محرم شود، بلاشکال است و حتی می توان قائل به عمومیت شد و گفت زن می تواند میان زنان و مردان محرم و نامحرم قضاوت کند و احوط در فتوا نیز همین است» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۲/۱۹۱).

اما بهبهانی مسئله شرط ذکوریت در منصب قضا را بدون اختلاف می داند (بهبهانی، ۱۴۲۴ق، ۳/۲۴۶) حر عاملی با قاطعیت تمام فتوا به عدم توانایی قضاوت زنان می دهد: «باب أن المرأة لا تولي القضاء» و در ذیل این باب تنها از یک روایت استفاده می کند: «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «يَا عَلِيُّ لَا تَسْأَلْ عَلَى الْمَرْأَةِ جُمُعَةً إِلَى أَنْ قَالَ وَلَا تَوَلَّى الْقَضَاءَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷/۱۶)؛ ای علی، بر زن نماز جمعه واجب نیست تا اینکه فرمود: و (زن) متولی قضاوت هم نمی شود». حر عاملی تنها با آوردن همین روایت، حکم به عدم قضاوت زنان می دهد.

### ۳/۹. حضور زنان در نماز جمعه

شیخ طوسی دو روایت (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۳/۲۱) و کلینی در ذیل باب وجوب نماز جمعه چندین روایت می آورد که حضور در نماز جمعه را بر زنان واجب نمی داند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۶/۴۵۹).

از میان اخباریان، فیض کاشانی ذیل شروط نماز جمعه روایاتی می آورد که نماز جمعه را بر زنان واجب نمی داند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۸/۱۱۱۹) و حر عاملی مستحب می داند که زنان در روز جمعه به جای خروج از خانه و حضور در نماز جمعه، نمازشان را در خانه بخوانند: «باب استحباب اختيار المرأة صلاة الظهر في بيتهما على حضور الجمعة» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۷/۳۴۰). برای این فتوا تنها یک روایت آورده شده است: «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الْإِمَامِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ الْجُمُعَةَ رَكَعَتَيْنِ فَقَدْ نَقَصَتْ صَلَاتَهَا وَإِنْ صَلَّتْ فِي الْمَسْجِدِ أَرْبَعًا نَقَصَتْ صَلَاتَهَا لِثَلَاثٍ فِي بَيْتِهَا أَرْبَعًا أَفْضَلُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۷/۳۴۰)؛ زمانی که زن در مسجد با امام جماعت روز جمعه، دو رکعت نماز جمعه می خواند، نمازش را ناقص می کند. اگر در مسجد چهار رکعت هم بخواند باز ناقص است. اگر در

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۲

پاییز ۱۴۰۲

۱۲۰

منزلش نماز چهار رکعتی بخواند، فضیلتش بیشتر است».

بحرانی نیز در «الحدائق» ذکوریت را به عنوان یکی از شروط وجوب نماز جمعه می‌شمارد. وی پس از آوردن روایاتی در این زمینه، نه شرط را برای نماز جمعه برمی‌شمارد که یکی از آنها ذکوریت است. وی شرط ذکوریت را اجماعی برشمرده است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱۰/۱۴۸) لذا نماز جمعه را برای زنان واجب نمی‌داند.

### ۳/۱۰. حضور زنان در نماز عیدین

در «تهذیب»، روایات دلالت کننده به جواز شرکت زنان در نماز عید فطر و عید قربان یافت نشد؛ اما کلینی در «کافی» در «بابُ خُرُوجِ النَّسَاءِ إِلَى الْعِيدَيْنِ» دو روایت، در این زمینه می‌آورد (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۱/۲۳۵).

در میان اخباری‌ها با اینکه حر عاملی نماز عید را بر مردان واجب می‌داند و در باب‌هایی بر استحباب این نماز تأکید دارد؛ ولی شرکت در نماز عیدین را بر زنان واجب نمی‌داند؛ بلکه آن را برای زنان خوش‌سیما و خوش‌هیکل مکروه هم می‌داند:

«بَابُ جَوَازِ خُرُوجِ النَّسَاءِ فِي الْعِيدِ لِلصَّلَاةِ وَ عَدَمِ وُجُوبِهَا عَلَيْهِنَّ وَ كَرَاهَةِ خُرُوجِ ذَوَاتِ الْهَيْئَاتِ وَ الْجَمَالِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۷/۴۷۱). البته درجایی دیگر خروج زنان

برای جمعه و عیدین را به صورت کلی، بدون در نظر گرفتن جوان یا خوش‌سیما بودن، مکروه می‌داند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰/۱۳۶). وی در اینجا، ابتدائاً یک روایت در مورد عدم خروج زنان آورده و سه روایت در مورد عدم حبس زنان و واجب بودن خروج آنها برای نماز عیدین آورده است. از آنجایی که مبنای نویسنده بر این بوده که زنان مایه به گناه افتادن مردان هستند، هر جا که چند روایات متفاوت وجود دارد، آنچه را که بنا بر دیدگاه خودشان صحیح است، تیر زده و حکم به آن داده است.

صاحب حدائق نیز نماز عیدین را از افرادی که نماز جمعه از آنها ساقط شده، ساقط می‌داند: «سقوط صلاة العید عن کل من تسقط عنه الجمعة» (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۰/۲۲۱). یکی از آنان زنان هستند که روایاتی را با مضامینی تقریباً متفاوت، جواز خروج، عدم جواز خروج و جواز خروج برای زنان مسن، می‌آورد:

عن ابی عبد الله عليه السلام قال: «انما رخص رسول الله صلى الله عليه وآله للنساء العواتق في الخروج في

تأثیر دیدگاه‌های فقهی  
اخباریان بر عدم حضور  
اجتماعی زنان

۱۲۱

العیدین للتعرض للرزق» (بحرانی، ۱۴۰۵، ۲۲۱/۱۰)؛ همانا رسول خدا ﷺ برای زنان آزاد، اجازه خروج برای نماز عیدین را به خاطر تعرّض به روزی داده است.

و عن عمار بن موسى في الموثق عن ابي عبدالله عليه السلام قال: «قلت له هل يوم الرجل بأهله في صلاة العیدین في السطح أو بيت؟ فقال: «لا يوم بهن ولا يخرجن و ليس على النساء خروج و قال أقلوا لهن من الهيئة حتى لا يسألن الخروج» (بحرانی، ۱۴۰۵، ۲۲۱/۱۰)؛ به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا شخص می تواند در پشت بام یا در اتاق نسبت به خانواده خودش در نماز عیدین پیش نماز شود؟ فرمود: نه پیش نماز برای زنان شود و نه لازم است که آن زنان برای نماز خارج شوند و بر زنان خروج (برای نماز عیدین) واجب نیست. سعی کنید که به زن‌ها چیزهای زینتی ندهید (که در این صورت دلشان می خواهد بیرون آیند)؛ تا درخواست بیرون آمدن از خانه نداشته باشند.

و ما رواه في كتاب معاني الأخبار عن محمد بن شريح قال: «سألت أبا عبدالله عليه السلام عن خروج النساء في العیدین فقال لا إلا العجوز عليها منقلها يعني الخفين» (بحرانی، ۱۴۰۵، ۲۲۱/۱۰)؛ از امام صادق عليه السلام درباره خروج زنان در عیدین پرسیدم. فرمود: نه، مگر برای پیران از آن‌ها.

صاحب حدائق بعد از ذکر روایات، بیان می کند که در این مسئله علاوه بر این احادیث، اجماع هم هست (بحرانی، ۱۴۰۵، ۲۲۳/۱۰).

فیض کاشانی در مورد نماز عیدین نیز همانند بحرانی، سه روایت تقریباً متفاوت می آورد؛ حضور زنان؛ عدم حضور آن‌ها و حضور مخصوص زنان پیر (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱۲۹۴/۹).

### ۳/۱۱. حضور زنان در سوگواری

در کتب اربعه و کتب فقهی متقدم، مانند «کافی»، «تهذیب» و «استبصار»، ابوابی که بیان گر نوع حضور زنان در مراسم سوگواری باشد، وجود ندارد. گاه نه تنها ابواب؛ بلکه روایاتی هم در این کتاب‌ها به چشم نمی خورد.

برای اولین بار حر عاملی به این مسئله پرداخته و شرکت زنان را برای مراسم عزا و ماتم به شرطی که مفسده نداشته باشد، مجاز می داند و اگر این حضور زنان در عزا

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۲

پاییز ۱۴۰۲

۱۲۲

موجب تحریک مردان شود، حرام است که در ماتم و عزا نیز حضور داشته باشند. همچنین ایشان خروج زنان از خانه را برای غیر این مراسم، مکروه می‌داند: «باب جواز خروج النساء فی الماتم لقضاء الحقوق الندبه و کراهته لغير ذالک، تحریمه مع المفسدة» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳/۲۳۹).

فیض کاشانی نیز پس از آوردن بابی در این باره، این روایات را حمل بر کراهت می‌کند و «باب حضور النساء الجنائز» را با این روایت شروع می‌کند: «عن یزید بن خلیفه قال: کنت عند ابي عبدالله ع فسأله رجل من القميين، فقال: يا ابا عبدالله هل تصلي النساء على الجنائز قال: فقال أبو عبدالله ع إن رسول الله ص كان هدر دم المغيرة بن أبي العاص و حدث حديثا طويلا و إن زينب بنت النبي ص توفيت و إن فاطمة ع خرجت في نساءها و صلت على أختها» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۴۰۹/۲۴)؛ نزد امام صادق ع بودم و مردی از قمی‌ها از او سؤالی کرد که: آیا زنان بر جنازه‌ها نماز می‌خوانند؟ امام ع فرمودند: همانا رسول خدا ص خون مغیره بن ابی العاص را هدر دانست و روایت طولانی را در این باره روایت کردند و همانا زینب دختر پیامبر ص مُرد و فاطمه زهرا ع خارج شد و نماز میت بر خواهرش خواند.

و در روایتی دیگر زنان جوان را برای خروج منع می‌کند «عن ابي عبدالله ع أنه قال: ليس ينبغي للمرأة الشابة أن تخرج إلى الجنائز تصلي عليها إلا أن تكون امرأة قد دخلت في السن» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۴۰۹/۲۴)؛ سزاوار نیست که زنان جوان از خانه برای تشییع جنازه و نماز بر میت خارج شوند؛ مگر زنی که در سن (پیری) داخل شده است. سپس در توضیح این روایت، خروج زنان را مکروه می‌داند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۴۱۰/۲۴).

### ۱۲/۳. نخ‌ریسی زن

حر عاملی بر زنان توصیه می‌کند در خانه بنشینند و به کار ریسندگی مشغول باشند «باب استحباب الغزل للمرأة» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۳۶/۱۷). در نظر حر عاملی از میان شغل‌های اقتصادی آنچه بر زنان مستحب است، مشاغلی است که در خانه انجام شود و در بیرون از خانه نباشد. هرچند که در هیچ‌یک از کتب متقدم چنین

تأثیر دیدگاه‌های فقهی  
اخباریان بر عدم حضور  
اجتماعی زنان  
۱۳۳

بابی نیست و در خیلی از این کتاب‌ها به این روایت اشاره هم نشده است. اولین شخص، حر عاملی است که بابی در مورد استحباب نخ‌ریسی برای بانوان می‌آورد. ایشان در ذیل «باب استحباب الغزل للمراة» چهار روایت آورده که شروع آن‌ها با این روایات است:

«عَنْ أُمِّ الْحَسَنِ النَّخَعِيَّةِ قَالَتْ مَرَّ بِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَيُّ شَيْءٍ تَصْنَعِينَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ قُلْتُ أَغْزِلُ قَالَتْ فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ أَحَلُّ الْكَسْبِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۳۶/۱۷)؛ ام‌حسن نخعی روایت می‌کند که: روزی امیر مؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام از کنار من عبور کرد و به من فرمودند: ای ام‌حسن، چه می‌کنی؟ گفتم: نخ‌ریسی می‌کنم. فرمودند: همانا این کار از حلال‌ترین کسب‌هاست. گرچه به نظر می‌رسد این روایت با عنوان باب هیچ‌گونه سنخیتی ندارد.

#### ۴. تحلیل مطالب

مبانی نویسندگان، اغلب از گفته‌های صریح آنان روشن می‌شود؛ ولی از نگفته‌ها و گفته‌های فراوان غیر صریح یک نویسنده در مورد موضوعی نیز می‌توان مبنای او را یافت. در وادی کتب روایی نیز، وقتی نویسنده‌ای روایات فراوانی را در مورد جزئیات مسئله‌ای اختصاص می‌دهد؛ ولی به مسئله دیگر، کوچک‌ترین اشاره‌ای نمی‌کند، این امر نشان از آن دارد که نویسنده در پس ذهنش مبنایی را داشته و بر طبق آن روایاتی را آورده و از ذکر روایات دیگر، با اینکه مرتبط بوده‌اند، خودداری ورزیده است. چنانچه وقتی به کتب اخباریان به صورت کلی و در مجموع نگاه می‌شود، در جای‌جای این کتب، ریزترین مسائل درباره روابط جنسی زن و مرد، حقوق مرد بر زن، بیان شده و فتوایی هم داده شده است؛ درحالی‌که به مباحثی مانند مشارکت اجتماعی زنان، به جز موارد کم، اشاره‌ای نمی‌شود و در مواردی هم که اشاره می‌شود، معمولاً این حقوق از زنان منع می‌شود.

با دقت در آثار اخباری‌ها و کتب متقدم می‌توان گفت که مسئله مشارکت زنان و منع خروج آن‌ها تا قبل از اخباری‌ها به این نحو محدود نبوده و منع نشده است. اخباری‌ها خصوصاً شیخ حر عاملی از طریق فتوا و روایاتی که گاه غیر صحیح هم

جستارهای  
فقهی و اصولی  
سال نهم، شماره پیاپی ۳۲  
پاییز ۱۴۰۲  
۱۲۴



هستند، نقش بسزایی در ایجاد این محدودیت داشته‌اند. علاوه بر آن که تک‌تک این عناوین و فتواها به‌تنهایی در مقایسه با کتب روایی قبل، عدم حضور اجتماعی زنان را تشدید می‌کنند. وقتی همه این حکم‌ها در مجموع و باهم در نظر گرفته شود، زنان و مردان را به در خانه ماندن بانوان و منع از حضور اجتماعی آن‌ها ترغیب می‌کند. در ابتدا محبوس بودن زنان در خانه مستحب و خروج آنان مکروه دانسته می‌شود؛ سپس خروج ایشان را منوط به اذن مردان دانسته و از طرفی خروج زنان را منافی با غیرت مردان می‌داند. همین امر موجب خواهد شد مردان اذن خروج را به‌ندرت به همسرانشان بدهند و زنان نتوانند به‌راحتی از خانه خارج شوند. از طرف دیگر بانوان با محدودیت‌هایی در جامعه به دلیل برخورد با نامحرم مواجه هستند. سلام کردن به زنان مکروه است، شنیدن صدای زن نامحرم مکروه است و دیدن نامحرم، حتی نابینا نیز بر زنان حرام است. نماز جمعه بر زنان واجب نیست و مستحب است در خانه نماز بخوانند، نماز عیدین بر آنان واجب نیست، زنان در سوگواری به‌شرط عدم مفسده می‌توانند شرکت کنند و برای غیر سوگواری مکروه است از خانه خارج شوند. زنان به‌جای این که در خارج از خانه مشغول کاری بشوند بهتر است در خانه بنشینند و نخ بریسند؛ حتی برای این که صدایشان را نامحرمی نشنود، در صورت توانایی نمی‌توانند قضاوت هم کنند. ناگزیر باید به این مسئله اذعان کرد که احکام اخباری‌ها در خانه‌نشین کردن زنان تأثیر بسزایی داشته است؛ به‌طوری که زنان را ترغیب می‌کند که خانه‌نشینی را به حضور اجتماعی ترجیح بدهند و مردان را نیز تشویق می‌کند تا جایی که امکان داشته باشد از حضور اجتماعی زنان جلوگیری کنند.

به نظر می‌رسد اخباریان با وجود اینکه به‌قصد جمع همه روایات، اقدام به نگارش کتب حدیثی کرده‌اند؛ ولی باین حال در مقام عمل گاه به‌صورت گزینشی به جمع روایات پرداخته‌اند. توضیح اینکه، ایشان باینکه همه روایات را صحیح می‌دانند، معمولاً روایات همسو با دیدگاه خود را در نگارش آثار آورده‌اند؛ چنانچه برای مثال روایات بسیاری در سیره و قول ائمه علیهم‌السلام درباره حضور زنان در اجتماع، جنگ، نماز جمعه و حتی تشویق بر تعلیم و تعلم وجود دارد؛ اما آنچه اخباریان آورده و بر طبق آن حکم داده‌اند، روایاتی است که بر منع تعلیم یا دلالت بر عدم حضور بانوان در

تأثیر دیدگاه‌های فقهی  
اخباریان بر عدم حضور  
اجتماعی زنان

۱۲۵

نماز یا اجتماع دارد. همچنین طبق گزینش خود درباره این مسئله، روایات را چندین برابر آورده‌اند.

نباید نادیده گرفت که دیدگاه‌های اخباریان نشئت گرفته از مبانی خاص آن‌ها است؛ از آنجایی که اخباریان ظواهر قرآن را حجت نمی‌دانند، روح کلی دیدگاه‌های آن‌ها گاه مخالف با قرآن است. اخباریان آیات تأیید حکومت ملکه سبا یا آیاتی که در رابطه با حضور اجتماعی زنان است را کنار گذاشته و با نادیده گرفتن این آیات با حضور اجتماعی زنان به مخالفت برمی‌خیزند. همچنین اخباریان با صحیح دانستن همه روایات، با آوردن روایاتی از کتبی که صحت آن‌ها مورد مناقشه است، فتوایی می‌دهند که با سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام مخالف است. به‌طور کلی می‌توان گفت: سازمان فکری و ایدئولوژی‌ای که اخباری‌ها در زمینه حضور اجتماعی زنان ارائه می‌دهند، با ایدئولوژی قرآن و سیره پیامبر ﷺ مخالف است و ریشه این مسئله را در مبانی فکری آن‌ها می‌توان جست‌وجو کرد.

با توجه به آنچه در مورد آراء و دیدگاه‌های اخباریان بیان شد، می‌توان «عورت دانستن زنان» و «تمایل زنان به‌سوی مردان» را دو مبنای اصلی اخباریان برای منع مشارکت اجتماعی زنان دانست؛ چراکه در ذیل اکثر دیدگاه‌ها و فتوای آن‌ها در زمینه منع مشارکت اجتماعی زنان عموماً از دو نوع روایت عی و عورت بودن زنان و تمایل آنان به مردان، استفاده شده است.

به‌صراحت می‌توان گفت که در میان اخباری‌ها، سخت‌گیرانه‌ترین احکام مربوط به شیخ حر عاملی است و بیشترین تغییرات صورت گرفته در تبویب کتب، چینش روایات و احکام صادره توسط ایشان در وسایل‌الشیعه به کار گرفته شده است. حر عاملی اولین شخصی است که حکم به استحباب حبس زنان در خانه، حرمت دیدن نامحرم، کراهت سلام کردن به زنان، کراهت خروج از منزل به اذن شوهر، استحباب نخ‌ریسی بر زنان را می‌دهد. علاوه بر این گاه از روایتی که در کتب قبلی آمده، حکمی متفاوت استخراج کرده و بابتی مجزا برای آن آورده است. همانند روایتی که در ذیل حکم به وجوب تمکین، درباره خروج زن به اذن شوهر آورده است. علاوه بر اینکه تعداد روایات نیز نسبت به کتب قبلی افزایش داشته است.

از طرف دیگر، علاوه بر اینکه خانه‌نشینی زنان در جامعه صفوی، برای آن‌ها حسن محسوب می‌شده، علمای اخباری که دارای مقام حکومتی بودند، در راستای اجرای احکام الهی بر خانه‌نشینی زنان تأکید می‌کردند و حضور زنان را در اجتماع بدون همراهی یکی از محارم منع می‌کردند. در این دوره، نوع رفتار زنان در جامعه یکی از نشانه‌های اجرای احکام الهی تلقی می‌شد. البته این بدان معنا نیست که این علمای اخباری پایه‌گذار این نوع رفتار در جامعه بودند؛ بلکه عدم حضور اجتماعی برای زنان جامعه نیکو محسوب می‌شده و رفتارهای برخی علما عدم حضور اجتماعی زنان را تشدید می‌کرده است.

مکتب اخباریگری گرچه در ظاهر از بین رفته است؛ ولی تأثیر گسترده‌ای بر روی باورها و دیدگاه‌ها، از جمله در مباحث زنان داشته است. بسیاری از نظریه‌های رایج و قابل نقد در متون مذهبی شیعه، میراث برجای مانده از تفکر اخباریگری است. در عصر حاضر نیز برخی از دیدگاه‌های فقها متأثر از مکتب اخباریان است؛ زیرا عموماً در درس‌های خارج مباحث فقهی چون طهارت، حج، صلاه و... مورد بحث و اجتهاد قرار می‌گیرد و عملاً به مباحث زنان پرداخته نمی‌شود. علمای اصولی ما نیز معمولاً بیان‌کننده دیدگاه‌های اخباریان هستند. برای نمونه می‌توان نظر آیت‌الله خویی در بحث حج را نگرست که ایشان خروج بدون اذن شوهر را برای بانوان حرام می‌دانند، خصوصاً اگر موجب نشوز شود و از این رو، حکم به لزوم استئذان برای حج مستحبی می‌کنند. ایشان در بحث حج در حاشیه این عبارت عروة که «أما في الحج المندوب فيشترط إذنه» می‌فرمایند: «بلا کلام، لأن الخروج من بيتها بدون إذن الزوج محرم و علیها الاستئذان منه في الخروج من البيت (موسوعة الامام خویی، ۱۴۲۲ق، ۲۶/۲۲۳)».

ایشان گرچه درجایی دیگر سفر بدون اذن همسر را حرام نمی‌دانند؛ ولی همانند اخباریان خروجی که با حق استمتاع مرد منافات داشته باشد و موجب نشوز شود را حرام می‌دانند (موسوعة الامام خویی، ۱۴۲۲ق، ۲۰/۱۰۰) محقق خویی در کتاب فتاوی خود، منهاج الصالحین، بازم حرمت مطلق خروج را مطابق احتیاط دانسته و می‌فرماید: «برای زن جایز نیست درجایی که خروج او با حق استمتاع شوهرش منافات داشته باشد از خانه‌اش بدون اجازه شوهر خارج شود؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب خروج

تأثیر دیدگاه‌های فقهی  
اخباریان بر عدم حضور  
اجتماعی زنان

۱۲۷

مطلقاً (چه منافات با حق شوهر داشته باشد و چه منافات نداشته باشد) جایز نیست (خویی، ۱۴۱۰ق، منهاج الصالحین، ۲/۲۸۹). تقریباً دیگر علما هم، نظری مشابه این دیدگاه دارند؛ چنانچه امام خمینی نیز خروج زن از منزل را به منوط به اذن شوهر دانسته و در حج مستحبی هم اذن شوهر را لازم می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۹، تحریر الوسیله، ۱/۴۳۸).

### نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که دیدگاه و مبانی فکری اخباریان در خانه‌نشینی زنان و عدم حضور اجتماعی آن‌ها نقش به‌سزایی داشته است. دیدگاه آن‌ها به صورت نوشته‌ای مستقل به دست ما نرسیده است؛ اما تأثیر مبانی فکری آن‌ها در احکام، تبویب ابواب، چینش و گزینش روایات را می‌توان در آثارشان مشاهده کرد. مسئله مشارکت زنان و خروج آن‌ها از منزل تا قبل از اخباری‌ها به این صورت محدود نبوده و منع نشده است. اخباری‌ها، خصوصاً شیخ حر عاملی، از طریق فتوا و روایاتی که گاه نیز غیر صحیح هستند، نقش به‌سزایی در ایجاد این محدودیت داشته‌اند. استحباب حبس زنان در خانه، حرمت دیدن نامحرم، کراهت سلام کردن به زنان، کراهت خروج از منزل به اذن شوهر، استحباب نخ‌ریسی بر زنان و فتاوایی از این قبیل بر محدودیت حضور و عدم مشارکت اجتماعی زنان تأثیر گذاشته که تا قبل از اخباری‌ها در کتب متقدم چنین روح کلی و ابواب و فتاوا وجود نداشته یا به این شدت نبوده است.

سازمان فکری و ایدئولوژی اخباریان در زمینه زنان خصوصاً حضور اجتماعی آنان، با باورشناسی قرآن و سیره پیامبر ﷺ همخوانی ندارد. اخباریان دیدگاهی سخت‌گیرانه و مردسالارانه ارائه می‌دهند و این باور در جای‌جای آثار آن‌ها قابل مشاهده است. به طوری که زنان ترغیب می‌شوند خانه‌نشینی را بر حضور اجتماعی ترجیح بدهند و مردان نیز تشویق می‌شوند تا جایی که امکان داشته باشد از حضور اجتماعی زنان جلوگیری کنند.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۲

پاییز ۱۴۰۲

۱۲۸

## منابع

### • قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان. تحقیق: مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاردی و حسین یزدی. قم: اسلامی.
۳. استرآبادی، محمدامین. (۱۴۲۶ق). الفوائد المدنیة و بذیله الشواهد المکیة (المسائل الظهیریة، جوابات المسائل الظهیریة). محقق و مترجم: رحمت الله رحمتی اراکی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۴. بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: انتشارات اسلامی.
۵. بهبهانی، محمد باقر. (۱۴۲۴ق). مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح الشرایع. قم: موسسه وحید بهبهانی.
۶. جناتی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۲). ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی. تهران: کیهان.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۳ق). الفوائد الطوسیة. قم: مکتبة المحلاتی.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۹. حلی، نجم الدین. (۱۴۰۸ق). شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. چاپ دوم، قم: اسماعیلیان.
۱۰. خلیل جمعه، احمد. (۱۴۱۲ق). نساء من عصر النبوه. بیروت: دار ابن کثیر.
۱۱. خمینی، روح الله. (۱۳۷۹). تحریر الوسیله، تهران: کوسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۲. خوانساری، محمد باقر. (۱۴۱۱ق). روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات. قم: دار الاسلامیه.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). المستند فی شرح العروة الوثقی (الموسوعة الامام الخویی). قم: موسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین. قم: مدینه العلم.
۱۵. گلیو، رابرت. شریعتمداری، حمیدرضا. محمدی مظفر، محمدحسن. (۱۳۹۶). اسلام نص گرا: تاریخ و عقاید اخباریان شیعه. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۶. رودی، مته. (۱۳۹۳). زوال صفویه و سقوط اصفهان. ترجمه: مانی صالحی علامه، تهران: نامک.

تأثیر دیدگاه‌های فقهی  
اخباریان بر عدم حضور  
اجتماعی زنان

۱۲۹

۱۷. ریولاجوردی، ابی صعب. (۱۳۹۶). **تغییر مذهب در ایران (دین و قدرت در ایران عصر صفوی)**. ترجمه: منصور صفت گل، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق). (۱۴۱۵ق). **المقنع**. قم: امام هادی.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (شیخ صدوق). (۱۴۰۹ق). **من لایحضره الفقیه**. ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران: صدوق.
۲۰. صفت گل، منصور. (۱۳۸۱). **ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی**. تاریخ تحولات دینی ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری قمری. تهران: رسا.
۲۱. طوسی، محمد. (۱۴۱۷ق). **تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه**. تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: صدوق.
۲۲. عاملی، حسن بن زین‌الدین (شهید ثانی). (۱۴۱۳ق). **مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام**. تحقیق: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
۲۳. عسقلانی، ابن حجر. (۱۴۱۲ق). **الإصابة فی تمیز الصحابه**. تحقیق: علی محمد بجاوی. بیروت: دارالجبیل.
۲۴. فراهانی منفرد، مهدی. (۱۳۷۷). **مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی**. تهران: امیرکبیر.
۲۵. فرهمند، ماندانا. (۱۳۹۲). **وضعیت سیاسی و اجتماعی زنان در عصر صفویه**. ایلام: جوهر حیات.
۲۶. فلسفی، نصرالله. (۱۳۷۱). **زندگانی شاه عباس اول**. تهران: علمی.
۲۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ق). **الوافی**. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۲۸. قلی‌زاده، آذر (۱۳۸۳). **نگاه جامعه‌شناختی به موقعیت زنان در عصر صفوی**. **مجله زنان در توسعه و سیاست**، دوره ۲، شماره ۳.
۲۹. کحاله، عمر رضا. (بی‌تا). **اعلام النساء**. بیروت: بی‌نا.
۳۰. کرکی، حسین بن شهاب‌الدین. (بی‌تا). **هدایة الأبرار الی طریق الأئمة الأبرار علیهم السلام**. بی‌جا: بی‌نا.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). **الکافی**. قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.
۳۲. گرجی، ابوالقاسم. (۱۳۹۵). **تاریخ فقه و فقهاء**. تهران: سمت.
۳۳. مجلسی اصفهانی، محمدباقر. (۱۴۱۰ق). **بحار الأنوار**. بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.
۳۴. مجلسی اصفهانی، محمدتقی. (۱۳۷۵). **احکام أهل ذمه**. به کوشش: ابوالحسن مطلیبی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۲

پاییز ۱۴۰۲

۱۳۰

۳۵. مجلسی اصفهانی، محمدتقی. (۱۴۰۶ق). روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه. قم: کوشانپور.
۳۶. مجلسی اصفهانی، محمدتقی. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ﷺ. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۷. مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید). (۱۴۱۳ق). المقنعة. قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
۳۸. منیع هاشمی، محمد بن سعد. (۱۴۱۰ق). الطبقات الكبرى. تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳۹. وحید بهبهانی، محمدباقر. (۱۴۱۵ق). الفوائد الحائریة. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۴۰. وحید بهبهانی، محمدباقر. (۱۴۲۴ق). مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح الشرایع. قم: مؤسسه وحید بهبهانی.
۴۱. وحید قزوینی، محمدطاهر. (۱۳۲۹). عباس نامه. اراک: داوودی.

## References

### The Holy Qur'an

- Ibn Manzūr, Muḥammad Ibn Mukarram. 1993/1414. *Lisān al-'Arab*. 3rd. Beirut: Dār al-Fīkr.
- al-Ardabīlī, Aḥmad Ibn Muḥammad (al-Muḥaqqiq al-Ardabīlī). 1982/1403. *Majma' al-Fā'ida wa al-Burhān fī Sharḥ Īrshād al-Adhhān*. Edited by Mujtabā al-Iraqī. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
- Iṣṭar Ābadī, Muḥammad Amīn. 2005/1426. *Al-Fawā'id al-Madīnah*. 2<sup>nd</sup>. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
- Āl 'Uṣfūr al-Bahrānī, Yūsuf ibn Aḥmad ibn Ibrāhīm. 1984/1405. *Al-Ḥadā'iq al-Nāqīrat fī Aḥkām al-'Itrat al-Ṭāhīrah*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
- al-Wahīd al-Bihbahānī, Muḥammad Bāqīr. 2003/1424. *Maṣābīḥ al-Zalām fī Sharḥ Maḥāṭīḥ al-ṣhrā'ī'*. Qom: Mu'assasat al-'Allāma al-Mujaddīd al-Wahīd al-Bihbahānī.
- Al-Jannātī, Muḥammad Ibrāhīm. 1992/1372. *Adwār-i Ijtihād az Dīdgāh-i Madhāhib-i Islāmī*. Tehran: Keyhān.
- al-Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Ḥasan. 2002/1423. *Al-Fawā'id al-Ṭūsīyah*. Qom: Maktabat al-Muḥallātī.
- al-Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Ḥasan. 1988/1409. *Tafṣīl Wasā'il al-Shī'a ilā Tahṣīl al-Masā'il al-Sharī'a*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' a-lturāth.
- al-Ḥillī, Najm al-Dīn Ja'far Ibn al-Ḥasan (al-Muḥaqqiq al-Ḥillī). 1987/1408.

تأثیر دیدگاه‌های فقهی  
اخباریان بر عدم حضور  
اجتماعی زنان

۱۳۱

- Sharā'ī 'al-Islām fī Masā'il al-Halāl wa al-Harām*. 2nd. Edited by 'Abd al-Ḥusayn Muḥammad 'Alī Baqqāl. Qom: Mu'assasat Ismā'īlīyān.
11. Al-Khalīl Jum'ah, Aḥmad. 1991/1412. *Nisā' min 'Aṣr al-Nubuwwah*. Beirut: Dār ibn Kathīr.
  12. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Ṣayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2000/1379. *Tahrīr al-Wasīlah*. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
  13. Al-Khānsārī, Sayyid Muḥammad ibn Bāqir ibn Zayn al-'Ābidīn. 2011/1390. *Rawḍāt al-Jannāt fī Aḥwāl al-'Ulamā' wa al-Sādāt*. Qom: Mu'assasat al-Ismā'īlīyān.
  14. al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 2001/1422. *al-Muṣṭanad fī Sharḥ al-'Urwat al-Wuḥqā*. Qom: Mu'assasat Iḥyā' Āthār al-Imām al-Khu'ī.
  15. al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1989/1410. *Minḥāj al-Ṣāliḥīn*. Qom: Nashr Madīnat al-'Ilm.
  16. Gleave, Robert; Sharī'atmidārī, Ḥamīd Riḍā; Muḥammadī Muẓaffar, Muḥammad Ḥassan. 2017/1396. *Islām-i Naṣgīrā; Tārīkh wa 'Aqā'id-i Akhbārīyān-i Shī'ah*. Qom: Dānishgāh-i Adyān wa Madhāhib.
  17. Matthee, Rudi. 2014/1393. *Ziwāl-i Ṣafawīyah wa Suqūt-i Iṣfahān*. Translated by Mānī Ṣāliḥī 'Allāmah. Tehran: Nārmak.
  18. Rīyū Lājwardī, Abī Ṣa'b. 2017/1396. *Taghyīr-i Madhhab dar Īrān (Dīn wa Qudrat dar Īrān-i 'Aṣr-i Ṣafawī*. Translated by Mansūr Ṣifat Gul. Tehrān: Pazhūhishgāh-i Farhang wa Andīshi-yi Islāmī (Research Institute for Islamic Culture and Thought).
  19. Ibn Bābiwayh al-Qummī, Muḥammad Ibn 'Alī (al-Shaykh al-Ṣadūq). 1994/1415. *Al-Muqni'*. Qom: Imām Hādī.
  20. Ibn Bābiwayh al-Qummī, Muḥammad Ibn 'Alī (al-Shaykh al-Ṣadūq). 1988/1409. *Man Lā Yahḍuruh al-Faqīh*. Tehran: Ṣadūq.
  21. Ṣifatgul, Manṣūr. 2002/1381. *Sāktār-i Nihād wa Andīshih-yi Dīnī dar Īrān-i 'Aṣr-i Ṣafawī (Tārīkh-i Tahawulāt-i Dīnī dar Sadīh-hāyi Dahum tā Dawāzdahum-i Hijrī-yi Qamarī*. Tehran: Rasā.
  22. al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1996/1417. *Tahdhīb al-Aḥkām fī Sharḥ al-Muqni'at lil Shaykh al-Mufīd*. Edited by 'Alī Akbar Ghaffārī. Tehran: Sadūq.
  23. al-'Āmilī, Zayn al-Dīn Ibn 'Alī (al-Shahīd al-Thānī). 1992/1413. *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharā'ī 'al-Islām*. Qom: Mu'assasat al-Ma'ārif al-Islāmīyya.
  24. al-'Asqalānī, Ibn Ḥajar Abulfāḍl Shahāb al-Dīn Aḥmad ibn 'Alī ibn Muḥammad. 1991/1412. *Al-Iṣābat fī Tamīz al-Ṣiḥabah*. Edited by 'Alī Muḥammad Bujāwī. Beirut: Dār al-Jalīl.
  25. Farāhānī Munfarid, Mahdī. 1998/1377. *Muhājirat-i 'Ulamā-yi Shī'ah az Jabal-i 'Āmil bih Irān dar 'Aṣr-i Ṣafawī*. Tehran: Amīr Kabīr.



26. Farahmand, Māndānā. 2013/1392. *Waḍ'īyat-i Siyāsī wa Ijtimā'ī-ye Zanān dar 'Aṣr-i Ṣafawī*. Īlam: Jawhar Ḥayāt.
27. Falsafī, Naṣrullāh. 1992/1371. *Zindigānī-ye Shāh 'Abbās-i Awwāl*. Tehran: 'Ilmī.
28. al-Fayḍ al-Kāshānī, Muḥammad Muḥsin. 1985/1406. *Kitāb al-Wāfī*. Iṣfahān: Maktabat al-Imām Amīr al-Mu'minīn 'Alī.
29. Qulīzādīh, Āzar. 2004/1383. *Nigāh-i Jāmi'ih Shinākhtī bih Mawqī'iyat-i Zanān dar 'Aṣr-i Ṣafawī*. Majalīh-ye Zanān dar Tawṣī'ih wa Siyāsāt, 2, 3.
30. Al-Kaḥalīh, 'Umar Riḍā. n.d. *I'lām al-Nisā'*. Beirut.
31. al-'Āmilī al-Karakī, 'Alī Ibn al-Ḥusayn (al-Muḥaqqiq al-Karakī, al-Muḥaqqiq al-Thānī). n.d. *Hidāyat al-Abrār 'Ilā Tarīq al-'A'imat al-Abrār ('A)*.
32. al-Kulaynī al-Rāzī, Muḥammad Ibn Ya'qūb (al-Shaykh al-Kulaynī). 2008/1429. *al-Kāfī*. 1th. Edited by Mu'assasat Dār al-Ḥadīth. Qum: Mu'assasat Dār al-Ḥadīth.
33. Gurjī, Abulqāsim, Abulqāsim. 2016/1395. *Tārīkh-i Fiqh wa Fuqahā*. Tehran: Samt.
34. al-Majlisī, Muḥammad Bāqir (al-'Allama al-Majlisī). 1990/1410. *Biḥār al-Anwār al-Jāmi'a li Durar Akhbār al-A'imma al-Aṭhār*. Beirut: Mu'assasat al-Ṭab' wa al-Nashr.
35. al-Majlisī, Muḥammad Bāqir (al-'Allama al-Majlisī). 1996/1375. *Aḥkām-i Ahl-i Dhimmah*. Edited by Abulḥasan Muṭallibī. Qom: Manshūrāt Maktabat Āyat Allāh al-'Uzmā al-Mar'ashī al-Najafī.
36. al-Majlisī, Muḥammad Taqī (al-Majlisī al-Awwal). 1985/1406. *Rawḍat al-Muttaqīn fī Sharḥ Man Lā Yaḥḍarūh al-Faqīh*. 2nd. Qom: Bunyād-i Farhang-i Islāmī-ye Kūshānpūr.
37. al-Majlisī, Muḥammad Taqī (al-Majlisī al-Awwal). 1983/1404. *Mir'āt al-'Uqūl fī Sharḥ Akhbār Āl al-Rasūl (S)*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
38. Ibn Nu'mān, Muḥammad Ibn Muḥammad (al-Shaykh al-Mufīd). 1992/1413. *al-Muqni'a*. Qom: al-Mu'tamar al-'Ālamī li Alfīyyat al-Shaykh al-Mufīd.
39. Al-Hāshimī al-Baṣarī, Muḥammad ibn Sa'd Manī'. 1989/1410. *Al-Ṭabqāt al-Kubrā*. Edited by Muḥammad 'Abd al-Qādir 'Aṭā. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah.
40. al-Waḥīd al-Bihbahānī, Muḥammad Bāqir. 1994/1415. *Al-Fawā'id al-Ḥā'irīyah*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmīyah.
41. al-Waḥīd al-Bihbahānī, Muḥammad Bāqir. 2001/1422. *Maṣābīḥ al-Zalām fī Sharḥ Maḥāṭīḥ al-ṣhrā'i'*. Qom: Mu'assasat al-'Allāma al-Mujaddīd al-Waḥīd al-Bihbahānī.
42. Waḥīd Qazwīnī, Muḥammad Ṭāhir. 1990/1329. *'Abbās Nāmīh*. Arāk: Dāwūdī.